



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



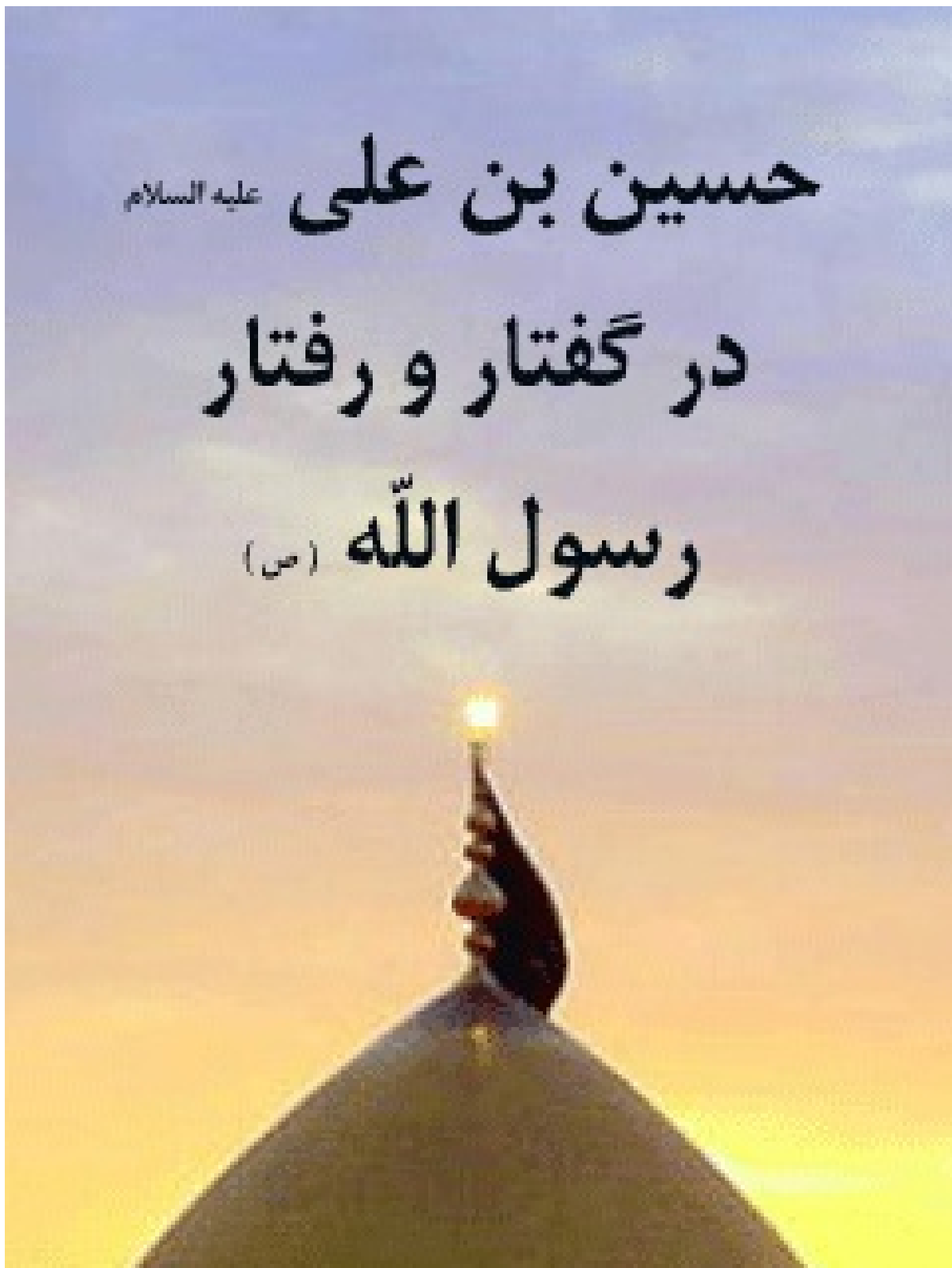
عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

حسین بن علی علیه السلام

در گفتار و رفتار

رسول الله (ص)



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حسین بن علی علیه السلام در گفتار و رفتار رسول الله (ص) - (بر اساس مهم ترین منابع اهل سنت)

نویسنده:

ناظر حسین زکی

ناشر چاپی:

ناظر حسین زکی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	حسین بن علی علیه السلام در گفتار و رفتار رسول الله(ص)(بر اساس مهم‌ترین منابع اهل سنت)
۷	مشخصات کتاب
۷	مقدمه
۸	اذان گفتن پیامبر در گوش‌های حسین
۸	عقیقه پیامبر برای حسنین
۸	تعویذ پیامبر برای حسنین
۸	ناراحت شدن پیامبر به جهت گریه حسین
۹	زبان پیامبر در کام حسنین برای رفع عطش آنان
۹	بوسیدن لب‌های حسین
۹	بالا رفتن حسین بر سینه پیامبر
۱۰	حسین از من است و من از حسین
۱۰	نظر به سیمای حسین نظر به سیمای پیامبر
۱۰	شباهت حسین به رسول الله
۱۱	حسنین ریحانه پیامبر
۱۱	حسنین بر کتف پیامبر
۱۲	حسنین سرور جوانان بهشت
۱۲	تزئین بهشت به حسنین
۱۳	خبر دادن جبرئیل به شهادت و محل شهادت امام حسین
۱۴	دستور پیامبر به یاری حسین
۱۴	گذاردن حضرت رسول تربت امام حسین را در نزد ام سلمه و خون آلود شدنش در روز عاشورا
۱۵	خواب دیدن ام سلمه و ابن عباس رسول خدا را در هنگام شهادت امام حسین
۱۵	امام حسین ثمره پیامبر

محاربه با اهل بیت: محاربه با رسول الله - ۱۵

بنی امیه شجره ملعونه و مبعوض رسول الله - ۱۶

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان - ۱۶

حسین بن علی علیه السلام در گفتار و رفتار رسول الله (ص) (بر اساس مهم ترین منابع اهل سنت)

مشخصات کتاب

نوع: مقاله

پدید آور: زکی، ناظر حسین (حمید)

عنوان و شرح مسئولیت: حسین بن علی علیه السلام در گفتار و رفتار رسول الله (ص) (بر اساس منابع اهل سنت) [منبع الکترونیکی] /

ناظر حسین (حمید) زکی

توصیف ظاهری: ۱ متن الکترونیکی: بایگانی HTML؛ داده های الکترونیکی (۱۰ بایگانی: ۷۰.۵KB)

موضوع: حسین بن علی (ع)، امام سوم

احادیث

محمد (ص)، پیامبر اسلام

مقدمه

ابا عبدالله الحسین (ع) سومین امام معصوم شیعیان است که در سوم ماه شعبان، سال چهارم هجری قمری در مدینه منوره دیده به جهان گشود. مادر آن حضرت فاطمه زهرا، دختر رسول الله (ص)، سیده بانوان جهان است، و پدر بزرگوارش حضرت علی (ع) فرزند ابو طالب، پسر عم رسول خدا (ص) است. حضرت محمد مصطفی (ص) - آخرین پیامبر و فرستاده خداوند - جد بزرگوار آن حضرت است. ابا عبدالله الحسین (ع) دارای ۱۱ فرزند بود، هفت پسر و چهار دختر. عمر شریف آن حضرت پنجاه و هفت سال و چهار ماه و هفت روز است. دوران امامتش هم یازده سال و ده ماه و سه روز بود. حسین (ع) وقتی به دنیا آمد پیامبر او را در آغوش گرفت، در گوش راست او اذان و در گوش چپش اقامه گفت و بدین سان در گوش او نخستین بار بانگ توحید طنین انداز گردید. رسول خدا (ص) به امر خدای یکتا، او را حسین نامید. زبان در دهان نوزادش گذاشت و کودک زبان جدش را بمکید. حضرت فرمود: فرزندانم! خداوند لعنت کند کسانی را که تو را به شهادت می رسانند. پیامبر خدا (ص) در هفتمین روز تولد او دو گوسفند عقیقه کرد، یک رانش را به قابله داد. سر نوزاد را تراشید و هم وزن موی سر او نقره به فقرا صدقه داد. شکم های بینوایان را سیر کرد. رسول خدا (ص) نوزاد را بر دامن نهاد و فرمود: کشته شدنت بر من بسی گران است. و حضرت بسیار گریست و فرمود: برای فرزندانم می گریم. او را گروهی کافر و ستمکار خواهند کشت. حسین بن علی (ع) شش سال از دوران کودکی خود را همراه جدش محمد مصطفی (ص) سپری کرد. مدت سی سال با پدر بزرگوار علی بن ابی طالب (ع) زندگی نمود، پس از شهادت پدر بزرگوارش، ده سال با برادرش امام حسن مجتبی (ع) بود، پس از آن که برادرش در سال ۵۰ هجری قمری مسموم شد و به شهادت رسید، ده سال تمام در دوران حکومت ظالمانه و ستمگرانه معاویه زیست و همیشه با او در ستیز بود. پس از درهم پیچیده شدن طومار عمر معاویه، فرزندش یزید که ولی عهد معاویه بود، به حاکمیت رسید، و در نیمه ماه رجب ۶۰ هجری به ولید پسر عتبه که حاکم مدینه بود، نامه نوشت تا از امام حسین (ع) برای یزید بیعت بگیرد. حاکم مدینه امام را برای بیعت با یزید فراخواند، و امام (ع) در جواب حاکم مدینه فرمود: «ای حاکم مدینه! تو می دانی که ما اهل بیت پیامبر و معدن رسالتیم، خانه ما محل نزول و رفت و آمد ملائکه و جایگاه نزول رحمت الهی است. خداوند اسلام را از خاندان ما آغاز و افتتاح نموده و تا پایان نیز با ما پیش خواهد برد. ولی یزید مرد شراب خوار و قاتل انسان های بی جرم و بی گناه است. یزید فردی است که آشکارا از حدود الهی تجاوز کرده و به طور علنی دست به فسق و فساد می زند، هیچ گاه مردی همانند من، به فردی مثل یزید دست بیعت نمی دهد. امام از بیعت با یزید سرباز

زد، و از این که تحت فشار شدید بود در ۲۸ رجب همان سال، مدینه رسول الله را به قصد مکه مکرمه ترک گفت و در سوم شعبان در مکه رحل اقامت افکند، و به افشاگری از حکومت یزید پرداخت. امام بنا به دعوت و رسیدن نامه‌های بی‌شمار از طرف مردم کوفه که افزون از ۱۲۰۰۰ نامه ذکر شده، پسر عمویش حضرت مسلم فرزند عقیل را به نمایندگی خود به کوفه فرستاد. خود اعمال حج را به دلیل نا امن شدن فضای مکه نیمه تمام گذاشته و در روز هشتم ذیحجه با اهل و عیال و به همراهی جمعی از یاران خود، به سوی کوفه حرکت کردند، و در روز دوم محرم سال ۶۱ هجری در کربلا رسیدند. و در روز دهم محرم همراه یاران با وفای خویش به مقام والای شهادت رسیدند، که تا امروز و تا دامنه قیامت، حقانیت راه و مکتب او همچنان فروزان‌تر از خورشید می‌درخشد، و قاتل او مورد لعن خدا، و رسولش، و ملائکه و بندگان صالح خدا است چنان که رسول الله به صراحت این مطلب را بارها بیان فرموده است. احادیث گردآوری شده در این مقاله برخی از احادیث و روایاتی است که از زبان رسول الله در منابع و کتاب‌های اهل سنت بیان شده است. و امید است با مطالعه و دقت در کلام و بیان رسول خدا که در باره فرزند و پاره تنش امام حسین (ع) بیان فرموده، هر چه بیشتر و بهتر حسینش را از زبان جدش رسول الله بشناسیم.

اذان گفتن پیامبر در گوش‌های حسین

عن عبيدالله بن أبي رافع عن أبيه، قال: «رأيت رسول الله (ص) أذن في أذن الحسين (ع) حين ولدته فاطمة (س)». حاکم نیشابوری در المستدرک علی الصحیحین و همچنین محب الدین شافعی در ذخائر العقبی گفته است: عیدالله پسر اَبی رافع و او از پدرش روایت کرده است: «هنگامی که امام حسین (ع) از حضرت فاطمه (س) متولد شد، رسول خدا (ع) را دیدم که در گوش‌های حسین (ع) اذان گفت.»

عقیقه پیامبر برای حسین

عن عبدالله بن بريده، عن أبيه: «إن رسول الله (ص) عاق عن الحسن والحسين (ع) بكبشين كبشين» نسائی در سننش گفته است: از عبدالله پسر بریده و او از پدرش روایت کرده است: «رسول خدا (ص) برای امام حسن و امام حسین (ع) (در هنگام تولدشان) دو گوسفند، دو گوسفند عقیقه کرد.» ابو داود این حدیث را در سننش از ابن عباس روایت کرده است، و همچنین این حدیث در تاریخ بغداد، حلیه الاولیا و غیره نیز وارد شده است.»

تعویذ پیامبر برای حسین

عن ابن عباس قال: «كان النبي (ص) يعوذ الحسن والحسين (ع) ويقول: إن أباكما كان يعوذ بها إسماعيل وإسحاق: أعوذ بكلمات الله التامة، من كل شيطان وهامة، و من كل عين لامة.» بخاری، ترمذی و ابن ماجه در کتاب‌های شان گفته‌اند: از ابن عباس روایت شده که او گفت: «پیامبر (ص) حسن و حسین (ع) را تعویذ می‌کرد و می‌گفت: پدر شما اسماعیل و اسحاق را به این کلمات تعویذ می‌کرد: به وسیله کلمات تامه خداوند از هر شیطان آسیب رسان، و از هر چشم بد پناه می‌برم.»

ناراحت شدن پیامبر به جهت گریه حسین

عن يزيد بن أبي زياد قال: خرج النبي (ص) من بيت عائشة فمرّ على بيت فاطمة (س) فسمع حسينا يبكي فقال: «ألم تعلمي أن بكائه يؤذيني؟» در تاریخ دمشق، مجمع الزوائد و غیره از یزید پسر زیاد نقل شده که او گفته است: «حضرت پیامبر (ص) از منزل عائشه بیرون شد، گذرش به خانه حضرت فاطمه (س) افتاد، گریه حسین را شنید، آن حضرت (به دخترش فاطمه) فرمود: «مگر نمی‌دانی که

گریه حسین مرا ناراحت می‌کند؟»

زبان پیامبر در کام حسنین برای رفع عطش آنان

عن ابی هریره قال: «اشهد لخرجنا مع رسول الله (ص) حتی اذا کنا ببعض الطريق سمع رسول الله (ص) صوت الحسن والحسين (ع) وهما یبکیان مع أمهما، فأسرع السیر حتی أتاهما فسمعته یقول: ما شأن ابني؟ فقالت: العطش، قال: فأخلف رسول الله (ص) الی شنه يتوضأ بها فیها ماء و كان الماء یومئذٍ أهداراً والناس یریدون الماء، فنادی هل أحد منکم مع ماء؟ فلم یجد أحد منهم قطرة. فقال: ناولینی أحدهما، فناولته إياه من تحت الخدر. فأخذه فضمه الی صدره وهو یضغو ما یسکت فأدلع له لسانه، فجعل یمصه حتی هدأ وسکن وفعل بالآخر كذلك» در تهذیب التهذیب، ومجمع الزوائد و نیز در غیر این دوتا، از ابو هریره روایت شده که او گفت: «گواهی می‌دهم که ما به همراه رسول خدا (ص) در بعضی از کوچه‌ها راه می‌رفتیم، و آن حضرت صدای گریه حسن و حسین (ع) را - که همراه مادرشان بودند - شنید. من از رسول خدا (ص) شنیدم که می‌فرمود: «پسرانم را چه شده که گریه می‌کنند؟ فاطمه فرمود: بر اثر تشنگی می‌گیرند! حضرت برای حسنینش در طلب آب برآمد و در این حال و احوال آب نایاب بود و همه مردم در پی آن بودند؛ حضرت با آواز بلند فرمود: آیا کسی از شما با خودش آب دارد؟ ولی هیچ کس، حتی یک قطره آب نداشت! حضرت (به فاطمه (س)) فرمود: یکی از آنان را به من بده، حضرت فاطمه (س) یکی از بچه‌ها را از زیر پوشش و ستر بیرون آورده و به پیامبر (ص) داد، حضرت او را گرفت و بر سینه‌اش چسباند، طفل صیحه می‌کشید، حضرت زبان مبارکش را در کام او نهاد، طفل زبان حضرت را می‌مکید تا آرام و ساکت شد. حضرت همین رفتار را با دیگری انجام داد او نیز آرام گشت.»

بوسیدن لب‌های حسین

عن ابی هریره قال: کان النبی (ص) یدلع لسانه للحسین (ع): فیری الصبی حمرة لسانه فیهمش فقال: عینیة بن بدر: ألا أراه یصنع هذا بهذا؟ فوالله إنه لیکون لی الولد قد خرج وجهه وما قبلته قط، فقال: «من لا یرحم لا یرحم» احمد حنبل در مسندش از ابو هریره نقل کرده که او گفته است: «پیامبر (ص) زبانش را برای حسین (ع) (در حال کودکی او) بیرون می‌آورد، کودک سرخی زبان او را می‌دید، با اشتیاق و سرور به او متمایل می‌شد. عینیة پسر بدر که این حالت را مشاهده کرد، با تعجب گفت: پیامبر را می‌بینم که با این بچه چه کار می‌کند؟! به خدا سوگند من اولاد و فرزند دارم و صورت آنان را هرگز نبوسیده‌ام. رسول خدا (ص) (در جواب کلام عینیة) فرمود: «کسی که رحم نداشته باشد مورد ترحم قرار نمی‌گیرد.» این حدیث به صراحت و روشنی این مطلب را می‌رساند که حضرت رسول (ص) برای خوشحالی امام حسین در هنگام کودکی او زبان مبارکش را برای بیرون می‌آورد، تا فرزندش را خوشحال سازد، و هنگامی که این عمل مورد تعجب مردان بی‌رحم واقع می‌شد، پاسخ حضرت این بوده است که «کسی که بی‌رحم باشد، مورد ترحم قرار نخواهد گرفت.»

بالا رفتن حسین بر سینه پیامبر

عن معاویة بن ابی مزرد، عن أبیه، قال: سمعت أبا هریره یقول: أبصرت عینای هاتان و سمعت أذناي رسول الله (ص) وهو آخذ بکفّی حسین و قدماه علی قدمی رسول الله (ص) و هو یقول: «حزقه حُزْقُهُ ترقّ عین بقّهُ» فرقی الغلام حتی وضع قدمیه علی صدر رسول الله (ص) ثم قال رسول الله (ص): «افتح فاک» ثم قبله، ثم قال: «اللهم أحبه فإتی أحبه.» معاویة پسر ابی مزرد از پدرش نقل کرده است: از ابو هریره شنیدم که می‌گفت: با دو چشمم دیدم و با دو گوشم از رسول خدا (ص) شنیدم - در حالی که آن حضرت دو دست حسینش را گرفته بود و قدم‌های کوچکش روی قدم‌های رسول الله (ص) بود - می‌فرمود: «کوچولو کوچولو، بالا بیا!» سپس کودک

بالا- بالا آمد تا قدم‌هایش را روی سینه رسول خدا (ص) نهاد. پس از آن رسول خدا فرمود: «لبه‌ایت را باز کن» سپس لب‌های او را بوسید و فرمود: «خداوندا او را دوست بدار! چون من او را دوست دارم.» این حدیث به همین مضمون و با اندک تفاوتی در الاصابه ابن حجر عسقلانی، و معجم کبیر طبرانی و نیز در غیر آن‌ها ذکر شده است.

حسین از من است و من از حسین

عن یعلی بن مرّة قال: إنهم خرجوا مع النبی (ص) الی طعام دعوا له: فإذا حین یلعب فی السکّة، قال: فتقدم النبی (ص) أمام القوم وبسط یدیه فجعل الغلام یفرّها هنا و هاهنا یضاحکه النبی (ص) حتی أخذہ، فجعل احدی یدیه تحت ذقنه والاخری فی فأس رأسه فقَبَله و قال: «حسین منی و أنا من حسین أحب الله من أحب حسیناً، حسین سبط من الاسباط.» ابن ماجه از یعلی پسر مرّه روایت کرده که او گفت: «عده‌ای به همراه حضرت پیامبر (ص) به سمتی که جهت صرف طعام دعوت شده بودند، می‌رفتند، در این هنگام حسین (ع) در کوچه بازی می‌کرد، حضرت پیامبر (ص) جلو آمده، آغوش مبارک را به سوی حسین خردسالش باز کرد، کودک این سو و آن سو فرار می‌کرد، پیامبر (ص) می‌خندید تا او را گرفت، سپس آن حضرت یک دست مبارک را زیر چانه کودکش و دست دیگر را بالای سر او نهاد، و سپس او را بوسید و فرمود: حسین از من است و من از حسین! خداوند دوست می‌دارد کسی را که حسین را دوست بدارد، حسین فرزندی از فرزندانم است.» این حدیث به همین مضمون و با اندک تفاوتی در سنن ترمذی، مسند أحمد حنبل، اسد الغابه و سنن کبیر بیهقی و غیره ذکر شده است.

نظر به سیمای حسین نظر به سیمای پیامبر

فی ذیل تفسیر قوله: (وعلم آدم الاسماء کلها) قال أعرابی قصد الحسین بن علی (ع) فسلم علیه وسأله حاجته، وقال: سمعت جدک یقول: «إذا سألتم حاجه فاسألوها من أربعه، إمّا عربی شریف، أو مولی کریم، أو حامل القرآن، أو صاحب وجه صبیح، فأما العرب فشرفت بجدک، وأما الکرم فدأبکم وسیرتکم، وأما القرآن ففی بیوتکم نزل، وأما الوجه الصبیح فإنی سمعت رسول الله (ص) یقول: «إذا أردتم أن تنظروا الی فانظروا الی الحسن و الحسین.» فخر رازی در تفسیر کبیرش در ذیل آیه شریفه (وعلم آدم الاسماء کلها) گفته است: اعرابی نزد امام حسین (ع) آمد، بر آن حضرت سلام کرد، و حاجتش را طلب نمود، و به آن حضرت گفت: از جدت رسول خدا (ص) شنیدم که می‌فرمود: «اگر حاجتی خواستید از چهار نفر بخواهید: یا از عرب شریف، یا از مولای کریم، یا از حامل قرآن، یا از کسی که دارای سیمای روشن و چهره نورانی است. (همه این اوصاف در شما است)، از لحاظ عرب بودن به سبب جدت رسول الله شریف هستی، و از جهت کرم؛ کرامت و بزرگواری ادب و سیره شماست. و اما از جهت قرآن؛ کلام خدا در خانه‌های شما نازل شده است. و اما چهره نورانی؛ من از رسول خدا (ص) شنیدم که می‌فرمود: «هرگاه خواستید به طرف من نظر کنید، به حسن و حسین نگاه کنید.» این حدیث به خوبی نشان می‌دهد که حضرت امام حسین (ع) و هم‌چنان برادرش امام حسن (ع) در نزد رسول خدا از چنان موقعیت و مقامی برخوردار بوده که نظر به چهره آنان، نظر به سیمای مبارک رسول الله (ص) است، و بدون تردید هرگونه هتک و بی‌حرمتی به آنان هتک و بی‌حرمتی به رسول الله (ص) است. و در این مورد احادیث فراوانی وارد شده که در جایش ذکر خواهد شد.

شبهت حسین به رسول الله

عن أنس بن مالک قال: «أتی عبیدالله بن زیاد برأس الحسین بن علی (ع) فجعل فی طست، فجعل ینکث و قال: فی حسنه شیئاً، فقال أنس: کان أشبههم برسول الله (ص) و کان مخضوباً بالوسمه.» از انس بن مالک روایت شده که او گفت: «سر حسین بن علی (ع) را

برای عیدالله پسر زیاد آوردند، پسر زیاد سر مبارک حسین (ع) را در طشت گذاشت، و با نی شروع به زدن سر مبارک آن حضرت نمود! و در زیبایی او با خودش چیزی گفت! و انس گفته است که چهره امام حسین (ع) بیشتر از همه شباهت به رسول خدا (ص) داشت. و محاسن شریفش با وسمه خضاب بود. این مطلب در صحیح بخاری و سنن ترمذی و مسند احمد بن حنبل و غیره به تفصیل روایت شده است. عن محمد بن الضحاک بن عثمان قال: «کان جسد الحسین (ع) شبه جسد رسول الله (ص)» ابو بکر هیشمی در مجمع الزوائد و همچنین طبرانی در معجم کبیرش و نیز غیر این دو تا روایت کرده‌اند که محمد پسر ضحاک، پسر عثمان گفته است: «اندام حسین (ع) شبیه اندام رسول خدا (ص) بود.»

حسین ریحانه پیامبر

عن انس بن مالک قال: «دخلت أو ربما دخلت علی رسول الله (ص) و الحسن و الحسین (ع) ینقلبان علی بطنه و یقول: ریحانتی من هذه الامة.» نسائی در سننش و همچنین هیشمی در مجمع الزوائد روایت کرده‌اند که انس بن مالک گفت: «چه بسا اوقاتی که خدمت رسول خدا (ص) می‌رسیدم، حسن و حسین (ع) را می‌دیدم که روی شکم آن حضرت می‌پریدند و رسول خدا (ص) می‌فرمود: «دو ریحانه من از میان این امت هستید.» عن ابن ابي نعیم، قال: كنت شاهداً لابن عمرو وسأله رجل عن دم البعوض، فقال: ممن أنت؟ فقال: من أهل العراق. قال: انظروا الی هذا! یسألنی عن دم البعوض و قد قتلوا ابن النبی (ص)، و سمعت النبی (ص) یقول: «هما ریحانتای من الدنیا.» این حدیث به همین از طرق متعدد و مختلف در کتاب‌های مختلف اهل سنت از جمله سنن ترمذی، خصائص نسائی، مسند احمد حنبل و غیره ذکر شده است.

حسین بر کتف پیامبر

عن عمر، قال: رأیت الحسن و الحسین (ع) علی عاتقی النبی (ص)، فقلت: نعم الفرس تحتکما، فقال النبی (ص) و نعم الفارسان هما. از عمر روایت شده که او گفته است: «حسن و حسین (ع) را دیدم که بر کتف پیامبر (ص) سوار بودند، و من به آنان گفتم: اسب سواری خوبی دارید! رسول خدا (ص) فرمود: این دو تا نیز سواران خوبی هستند.» این حدیث در کنز العمال و غیره نیز ذکر شده است و همچنین مضمون این حدیث در سنن ترمذی و مستدرک الصحیحین و غیره نیز آمده است. دوست داشتن حسین دوست داشتن رسول الله، دشمنی با حسین دشمنی با رسول الله، یثوبان علی ظهره إذ سجد، فأقبل الناس علیهما ینحونهما عن ذلك، قال: «دعوهما بأبی و أمی، من أحبّنی فلیحبّ هذین.» بیهقی در سنن کبیرایش ذکر نموده است: زر پسر حبیبش گفته است: «روزی رسول خدا (ص) با مردم نماز می‌خواند، حسن و حسین (ع) که کودک بودند به سمت آن حضرت آمدند، و هنگامی که رسول خدا (ص) به سجده می‌رفت، حسین (ع) بر پشت جدّ بزرگوارشان بالا می‌شدند. مردم خواستند که آن دو کودک را از حضرت دور کنند و مانع بشوند، پیامبر خدا (ص) فرمود: «آنان را به حالشان بگذارید، پدر و مادرم فدایشان باد! هرکسی که مرا دوست دارد، باید این دو را دوست بدارند.» عن اسامه بن زید قال: قال النبی (ص): «هذان ابنای و ابنا ابنتی، اللهم انی أحبّهما فأحبّهما و أحبّ من یحبّهما.» ترمذی در سننش روایت کرده که اسامه بن زید گفته است: پیامبر خدا (ص) فرمود: «این دو تا (اشاره به حسن و حسین (ع))، دو فرزند من‌اند و پسران دخترم، خداوندا، این دو را دوست می‌دارم، پس تو آن دو را دوست بدار، و دوست بدار کسی را که آن دو را دوست می‌دارد!» این حدیث در خصائص نسائی و کنز العمال و نیز در کتب دیگر اهل سنت وارد شده است. عن ابي هريرة قال: قال رسول الله (ص): «من أحبّ الحسن و الحسین فقد أحبّنی و من أبغضهما فقد أبغضنی.» از ابو هریره روایت شده که او گفته است: رسول الله (ص) فرمود: «هر کسی که حسن و حسین (ع) را دوست بدارد، مرا دوست داشته است، و کسی که با آن دو بغض و

عداوت پیشه کند، با من بغض و دشمنی نموده است.» این حدیث در سنن ابن ماجه، مسند احمد حنبل و نیز در تاریخ بغداد و غیره روایت شده است. «عن سلمان قال: سمعت رسول الله (ص) يقول: «الحسن والحسين ابناي من أحبهما أحبني ومن أحبني أحبته الله ومن أحبته الله أدخله الجنة، ومن أبغضهما أبغضني و من أبغضني أبغضه الله أدخله النار.» در مستدرک صحیحین، معجم طبرانی، و معجم الزوائد از سلمان روایت شده که او گفته است: از رسول خدا (ص) شنیدم که می فرمود: «حسن و حسین دو فرزندانم هستند، هر کسی آن دو را دوست بدارد، مرا دوست داشته است، و هر کسی مرا دوست دارد، خدا او را دوست دارد، و کسی را که خداوند سبحان دوست بدارد، وارد بهشت می شود ولی اگر کسی با حسن و حسین غضب و عناد داشته باشد، با من غضب و دشمنی نموده است، و هر کسی با من غضب و دشمنی کند، خداوند با او غضب می کند، و سرانجام او را در آتش می افکند.» مضامین این احادیث در ذخائر العقبی، کنز العمال، معجم کبیر طبرانی و غیره به تفصیل ذکر شده است.

حسین سرور جوانان بهشت

عن أبي سعيد الخدري قال: قال رسول الله (ص): «الحسن والحسين سيدا شباب أهل الجنة.» محمد بن عيسى ترمذی در کتابش نقل نموده که ابی سعید خدری از رسول خدا روایت نموده که آن حضرت فرموده است: «حسن و حسین سروران جوانان بهشتند.» این حدیث در کتب مختلف اهل سنت و از طرق متعدد وارد شده است. چنانچه احمد بن حنبل در مسندش، و نسائی در خصائصش، و خطیب بغدادی در تاریخش، و نیز دیگران مثل ابن حجر عسقلانی، و ابو نعیم اصفهانی و غیره، ذکر نموده اند. عن ابن عمر قال: قال رسول الله (ص): «الحسن والحسين سيدا شباب أهل الجنة و أبوهما خيرا منهما.» فرزند عمر از رسول خدا (ص) روایت نموده که آن حضرت فرمود: «حسن و حسین سروران جوانان اهل بهشتند، و حضرت علی (ع)، بهتر از دو فرزندشان است. این حدیث در سنن ابن ماجه، مستدرک صحیحین حاکم نیشابوری، معجم کبیر طبرانی و نیز در غیر آن‌ها روایت شده است.

تزیین بهشت به حسین

عن عقبه بن عامر قال: قال رسول الله (ص): «لما استقر أهل الجنة في الجنة قال الجنة: يا رب أليس وعدتني أن تزيني بركنين من أركانك؟ قال: ألم أزينك بالحسن والحسين؟ قال: فماست الجنة ميساً كما تميز العروس.» عقبه فرزند عامر از رسول خدا (ص) روایت نموده که آن حضرت فرمود: هنگامی که بهشتیان در بهشت مأوا گیرند، بهشت در پیشگاه خداوند عرض می کند: خداوندا مگر وعده ندادی که مرا به وسیله دو رکن از ارکانت زینت دهی! خداوند در پاسخش می فرماید: آیا تو را به حسن و حسین زینت ندادم؟ سپس بهشت همانند عروس به خود می نازد و فخر می کند. این حدیث در کنز العمال، تاریخ بغداد و نیز در غیر آن‌ها وارد شده است. و هم چنین احادیثی به همین مضمون در اسد الغابه و دیگر کتب اهل سنت وارد شده است. الحسنان یدخلان الجنة علی خیل متوجه بالدر و الياقوت عن أبي هريرة قال: قال رسول الله (ص): «يحشر الانبياء يوم القيامة على الدواب ليوافوا من يؤمهم للمحشر، ويبعث صالح على ناقته، وأبعث على البراق و يبعث ابناي الحسن والحسين على ناقتين من نوق الجنة.» ابو هريره گفته است که رسول خدا فرمود: انبیا در روز قیامت، سوار بر چهار پایان برانگیخته می شوند، و حضرت صالح سوار بر ناقه اش برانگیخته می شود، و من سوار بر براق برانگیخته می شوم، و فرزندانم حسن و حسین سوار بر دو ناقه بهشتی برانگیخته می گردند. این حدیث در مجمع الزوائد، معجم کبیر طبرانی، تاریخ بغداد و نیز در غیر این‌ها وارد شده است. قال علی (ع)، قال رسول الله (ص): «إذا كان يوم القيامة كنت أنت و ولدك علی خیل بلق متوجه بالدر و الياقوت فإمرکم الله بکم الی الجنة والناس ینظرون.» از حضرت علی (ع) روایت است که رسول خدا (به من) فرمود: وقتی روز قیامت فرا برسد، تو و فرزندت سوار بر اسب برانگیخته می شوید، در حالی که مزین به دُر و یاقوت است، خداوند برای شما دستور ورود به بهشت را صادر می کند، و مردم نظاره کننده شما هستند.

خبر دادن جبرئیل به شهادت و محل شهادت امام حسین

عن أنس بن مالك: «أنَّ ملكَ المطر استأذن أن يأتي النبي (ص) فأذن له، فقال لأم سلمة: املكي علينا الباب لا يدخل علينا أحد، قال: وجاء الحسين (ع) ليدخل فمنعته، فوثب فدخل، فجعل يقعد على ظهر النبي (ص) وعلى منكبه وعلى عاتقه، قال: فقال الملك للنبي (ص) أتجبه؟ قال: نعم، قال: أما إن أمتك ستقتله وإن شئت أريتك المكان الذي يقتل فيه فضرب بيده فجاء بطينه حمراء فأخذتها أم سلمة فصرتها في حمارها» قال ثابت: بلغنا أنها كربلاء. از انس بن مالک روایت شده است: فرشته باران از پیامبر خدا (ص) اجازه خواست تا به خدمت آن حضرت بیاید. حضرت برایش اجازه ورود داد، و برای ام سلمه فرمود که مواظب در باش تا هیچ کسی وارد نشود، در این حال حسین (ع) آمد تا داخل خانه شود، ام سلمه مانع شد، حسین خرد سال به سرعت پرید و داخل خانه شد، سپس شروع کرد به نشستن بر پشت و کتف و گردن پیامبر (ص). فرشته به پیامبر (ص) عرض کرد: آیا او را دوست می‌داری؟! حضرت فرمود: بله! فرشته گفت: ولی اُمتت به زودی او را شهید می‌کند، اگر خواسته باشی، محل شهادت او را برای شما نشان می‌دهم؟! سپس فرشته دستش را زد و گل سُرخی آورد، و ام سلمه آن را برداشت و با حزن و اندوه در بین لچک و رو سریش پنهان کرد. «و بعد معلوم شد که محل شهادت آن حضرت سرزمین کربلا بوده است. این حدیث را احمد حنبل، محب‌الدین شافعی، ابو بکر هیشمی و ابو القاسم طبرانی و دیگران به تفصیل ذکر کرده‌اند. عن عبدالله بن وهب بن زمعه، قال: أخبرتني أم سلمة إن رسول الله (ص) اضطجع ذات ليلة للنوم فاستيقظ وهو خائر ثم اضطجع فرقد، ثم استيقظ وهو خائر دونما رأيت به المرة الأولى، ثم اضطجع فاستيقظ وفي يده تربة حمراء يقبلها، فقلت: ماهذه التربة يا رسول الله؟ قال: أخبرني جبريل (ع) إن هذا يقتل بأرض العراق - للحسين - فقلت لجبرئيل: أرني تربة الأرض التي يقتل بها، فهذه تربتها.» از عبدالله فرزند وهب فرزند زمعه روایت شده که او گفت: «ام سلمه به من خبر داد که رسول خدا (ص) شبی برای خوابیدن دراز کشید، سپس بیدار شد در حالی که گرفته و پریشان بود، دو باره حضرت دراز کشید و خوابش برد، سپس مضطرب و پریشان از خواب بیدار شد، اضطراب آن حضرت غیر از اضطرابی بود که در مرتبه اول در آن حضرت دیدم. بار سوم حضرت دراز کشید و این بار که از خواب بیدار شد در دستش تربت سرخی بود که آن را می‌بوسید! سپس من گفتم: یا رسول الله این تربت چیست؟ حضرت فرمود: جبرئیل (ع) برایم خبر داد که این - اشاره به حسینش نمود - در زمین عراق کشته می‌شود. برای جبرئیل گفتم، خاک زمینی را که حسینم در آنجا شهید می‌شود نشانم بده، و این، تربت همان سرزمین است.» این حدیث را حاکم نیشابوری، محب‌الدین شافعی، ابو القاسم طبرانی، نقل کرده‌اند. و هم‌چنین مراجعه شود به کنز العمال متقی هندی، و صواعق محرقه ابن حجر هیشمی شافعی، و اعلام النبوة ماوردی. عن زينب بنت جحش: «أن النبي (ص) كان نائماً عندها وحسين (ع) يجبو في البيت، فغفلت عنه، فجبا حتى أتى النبي (ص) فصعد على بطنه، الى أن قال: قالت: ثم قام يصلي واحتضنه فكان إذا ركع وسجد وضعه وإذا قام حمله، فلما جلس جعل يدعو ويرفع يديه ويقول: فلما قضى الصلاة قلت: يا رسول الله لقد رأيتك تصنع اليوم شيئاً ما رأيتك تصنعه، قال: إن جبريل أتاني فأخبرني أن ابني يقتل، قلت: فأرني تربته اذاً، فأتاني بتربة حمراء.» از زینب دختر جحش روایت شده است: «پیامبر خدا (ص) در پیش او خوابیده بود، حسین که کودک و کوچک بود با دست و پایش در منزل راه می‌رفت و بازی می‌کرد، لحظه‌ای از کودک غافل شدم، او به طرف رسول خدا (ص) آمد و بالای شکم مبارک آن حضرت رفت. زینب در ادامه سخنانش می‌گوید: سپس رسول خدا (ص) بلند شد و به نماز ایستاد و حسین خرد سالش را در بغل گرفت، و هنگامی که به رکوع و سجده می‌رفت، کودک را در زمین می‌گذاشت، و وقتی دو باره می‌ایستاد، حسینش را برمی‌داشت، و هنگامی که آن حضرت نشست دست‌های مبارکش را بلند نموده و دعا می‌کرد. هنگامی که از نماز فارغ شد عرض کردم: ای رسول خدا (ص) امروز از شما کاری را مشاهده کردم که تا کنون ندیده بودم که چنین عملی را داشته باشید؟ پیامبر در پاسخ فرمود: جبرئیل نزد من آمد و به من خبر داد که پسر من کشته می‌شود. گفتم: تربت و خاکش را نشانم ده! سپس خاک سرخی

برایم آورد.» این حدیث در معجم کبیر طبرانی، و تاریخ دمشق و نیز در غیر این دو کتاب روایت شده است. روی احمد بن حنبل بسنده عن عبدالله بن نجا، عن أبيه، «أنه سار مع علي (ع) - وكان صاحب مطهرته - فما حاذى نينوى و هو منطلق الى صفين، فنأدى علي (ع): اصبر أبا عبدالله اصبر أبا عبدالله بشط الفرات، قلت: وماذا؟ قال: دخلت علي النبي (ص) ذات يوم و عيناہ تفيضان، قلت: يانبي الله أغضبك أحد ما شأن عينيك تفيضان؟ قال: بل قام من عندي جبريل فحدثني أن الحسين يقتل بشط الفرات، قال: فقال: هل لك الى أن أشمكم من تربته؟، قال: قلت: نعم، فمد يده فقبض قبضه من تراب أعطانيها فلم أملك عيني أن فاضتا.» احمد حنبل به سند خود از عبدالله نجا و او از پدرش روایت کرده است: «در هنگامی که علی (ع) رهسپار صفین بود، همراه آن حضرت بودم، و زمانی که نزدیک نینوا رسید حضرت مرا صدا کرد و فرمود: ابا عبدالله صبر کن، ابا عبدالله به شط فرات صبر کن! گفتیم: برای چه؟ آن حضرت فرمود: «روزی در خدمت پیامبر خدا (ص) رسیدم، از چشمان آن حضرت اشک سرازیر بود، عرض کردم: ای پیامبر خدا! آیا کسی شما را به خشم و غضب آورده که دیدگان شما این چنین اشک ریزان است؟ رسول خدا (ص) فرمود: جبرئیل نزد آمد و به من خبر داد: حسین در شط فرات کشته می‌شود! رسول خدا فرمود: سپس جبرئیل گفت: آیا می‌خواهی عطر و بوی تربتش را ببینی؟ رسول خدا فرمود: گفتیم: بله! سپس جبرئیل دستش را دراز کرد و یک قبضه از تربت گرفت و به من داد و به همین دلیل است که بی‌اختیار اشک‌هایم سرازیر است.»

دستور پیامبر به یاری حسین

عن أنس بن الحارث، عن أبيه الحارث - وكان من أصحاب النبي (ص) من أهل الصفه - قال: «سمعت رسول الله (ص) والحسين في حجره يقول: إن ابني هذا يقتل في أرض يقال لها العراق» فقتل أنس بن الحارث مع الحسين (ع). انس فرزند حارث از پدرش که از اصحاب نبی (ص) و از اهل صفه بود روایت کرده است: «در حالی که حسین (ع) در دامن رسول الله (ص) قرار داشت، من از او شنیدم که می‌فرمود: این فرزندم (اشاره به حسین (ع)) در زمینی که به آن عراق گفته می‌شود، به شهادت می‌رسد.» و هنگامی که حسین (ع) رهسپار کربلا شد، انس فرزند حارث همراه وی شد، و در رکاب آن حضرت به شهادت رسید. این حدیث را ابن اثیر در اسد الغابه ذکر نموده است، و هم‌چنین ابن حجر عسقلانی در ترجمه انس بن الحارث بیان نموده و گفته است: «فخرج أنس بن الحارث الى كربلا فقتل بها مع الحسين (ع). و در مضمون این حدیث مراجعه شود به کنز العمال و ذخائر العقبی.

گذارن حضرت رسول تربت امام حسین را در نزد ام سلمه و خون آلود شدنش در روز عاشورا

عن عمر بن ثابت، عن الاعمش، عن شقيق، عن أم سلمه قالت: «كان الحسن و الحسين (ع) يلعبان بين يدي رسول الله (ص) في بيتي؛ فنزل جبريل فقال: يا محمد إن امتك تقتل ابنك هذا من بعدك، وأوماً بيده الى الحسين (ع)، فبكي رسول الله (ص) و ضمّه الى صدره ثم قال رسول الله (ص): وضعت عندك هذه التربة فشمها رسول الله (ص) قال: ريح كرب و بلاء، وقال: يا أم سلمة إذا تحولت هذه التربة دماً فاعلمي أن ابني قد قتل. فجعلتها أم سلمة في قارورة ثم جعلت تنظر اليها كل يوم و تقول: ان يوماً تحوّلين دماً ليوم عظيم.» عمر فرزند ثابت از اعمش و او از شقیق روایت کرده که ام سلمه گفت: «حسن و حسین در منزلم جلو پیامبر بازی می‌کردند، جبرئیل نازل شد و برای پیامبر گفت: ای محمد (ص) امتت بعد از تو این پسر را به شهادت می‌رساند، و با دستش به سوی حسین (ع) اشاره کرد، رسول الله (ص) گریه کرد و حسینش را در سینه‌اش گرفت، سپس رسول خدا (ص) فرمود: این تربت را در نزد تو می‌گذارم، رسول خدا (ص) آن تربت را بو کرد و فرمود: بوی کرب و بلاء است. و فرمود: ای ام سلمه! وقتی این تربت متحول به خون شد، بدان که پسر من کشته شده است. ام سلمه تربت را در شیشه‌ای گذاشت و هر روز به آن نگاه می‌کرد، و ام سلمه می‌گفت: روزی که تربت متحول به خون شود آن روز، روز عظیم مصیبت بزرگی خواهد بود.» این حدیث را ابن حجر عسقلانی در

تهذیب التهذیب ذکر نموده است. و مضمون این حدیث را ابن حجر عسقلانی در مجمع الزوائد و طبرانی در معجم کبیر و نیز غیر آنها ذکر کرده‌اند.

خواب دیدن ام سلمه و ابن عباس رسول خدا را در هنگام شهادت امام حسین

روی الترمذی بسنده عن سلمی، قالت: «دخلت علی أم سلمة و هی تبکی، فقلت: ما یبکیک؟ قالت: رأیت رسول الله (ص) - تعنی فی المنام - و علی رأسه و لحيته التراب، فقلت: مالک یا رسول الله؟ قال: شهدت قتل الحسين آنفاً.» ترمذی به سند خود از سلمی روایت کرده است: «خدمت ام سلمه رسیدم و او گریه می‌کرد، از ام سلمه پرسیدم: چرا گریه می‌کنی؟ او در پاسخ گفت: رسول خدا (ص) را دیدم - منظورش دیدن در خواب بود - سر و صورت و محاسن آن حضرت پر از خاک بود، عرض کردم: ای رسول خدا (ص) شما را چه شده است؟ حضرت فرمود: همین حالا شاهد کشته شدن حسینم بود.» ترمذی این حدیث را در سنن خود ذکر کرده نموده است، و هم‌چنین مضمون این حدیث را حاکم نیشابوری، ابن اثیر، بیهقی شافعی، ابن حجر عسقلانی و غیره به تفصیل ذکر کرده‌اند. عن ابن عباس، قال: «رأیت النبی (ص) فیما یری النائم نصف النهار، أشعث و أغبر معه قارورة فیها دم، فقلت: یا نبی الله ما هذا؟ قال: هذا دم الحسين وأصحابه لم أزل التقطه منذ الیوم، قال: فأحصی ذلک الیوم فوجدوه قُتل قبل ذلک یوم.» از ابن عباس روایت شده است: «پیامبر خدا (ص) را نیم روز در خواب دیدم که پریشان و خاک آلود بود که شیشه پر از خون با خود داشت، عرض کردم: ای پیامبر خدا! این چیست؟ در جواب فرمود: این خون حسین و اصحابش است که امروز پیوسته در این شیشه جمع کردم. ابن عباس گفت: آن روز را شمارش کرده و ضبط کردم، و بعداً معلوم شد که حسین (ع) یک روز پیش از آن به شهادت رسیده بود.» حاکم نیشابوری این حدیث را از ابن عباس در کتابش روایت کرده است، و هم‌چنین این حدیث به همین مضمون در مسند احمد حنبل، و اسد الغابه، الاستیعاب، الإصابه و نیز در غیر آنها با اندک تفاوتی در لفظ و طریق وارد شده است.

امام حسین نمره پیامبر

عن مولی عبدالرحمن بن عوف قال: خذوا عنی قبل أن تشاب الاحادیث بالباطیل، سمعت رسول الله (ص) یقول: «أنا الشجرة و فاطمة فرعها، و علی لقاحها، والحسن والحسين ثمرتها، و شیعتنا ورقها، وأصل الشجرة فی جنة عدن و سائر ذلک فی سائر الجنة» از مولا عبدالرحمن عوف روایت است که او گفت: پیش از آن که گرد و غبار باطل چهره احادیث را بپوشاند، حقیقت را از من فراگیرید، از رسول خدا (ص) شنیدم که می‌فرمود: «من درخت هستم، و فاطمه فرع و شاخه‌های درخت است، علی مایه باروری و ثمردهی اوست، حسن و حسین (ع) میوه‌ها و شیعیان و پیروان ما برگ‌های آن درخت هستند، ریشه و اصل درخت در بهشت عدن است و مابقی آن در سائر بهشت.» این حدیث در المستدرک علی الصحیحین و میزان الاعتدال و دیگر کتب اهل سنت روایت شده است.

محاربه با اهل بیت: محاربه با رسول الله

عن زید بن ارقم؛ ان رسول الله (ص) قال لعلی و فاطمة و الحسن و الحسين: «أنا حرب لمن حاربتم و سلم لمن سالمتم.» زید بن ارقم روایت کرده است که رسول خدا (ص) به علی، فاطمه، حسن و حسین: فرمود: «هر کسی که با شما بجنگد با آن در جنگم، و با هر کسی که با شما در صلح و مسالمت باشد، در مصالحه و مسالمت هستم.» این حدیث را ترمذی در سننش روایت کرده است، و ابن ماجه آن را با اندک تفاوتی در لفظ در سننش آورده است. و هم‌چنین در دیگر منابع اهل سنت مثل المستدرک علی الصحیحین، ذخائر العقبی، اسد الغابه و غیره به تفصیل ذکر است. عن أبی هريرة قال: نظر النبی (ص) الی علی و الحسن و الحسين و فاطمة فقال: «أنا حرب لمن حاربکم و سلم لمن سالمکم.» احمد حنبل در کتابش آورده که ابو هریره گفت: پیامبر خدا (ص) به علی،

حسن، حسین و فاطمه (ع) نظر افکنده و فرمود: «هر کسی که با شما محاربه کند، با او در محاربه هستم، و کسی که با شما در مسالمت و آشتی باشد، با او مسالمت دارم.» عن أبي بكر بن أبي قحافه أنه قال: «رأيت رسول الله (ص) خيم خيمه وهو متكى على قوس عرييه، وفي الخيمه على فاطمه والحسن والحسين: فقال: معشر المسلمين أنا سلم لمن سالم أهل الخيمه، حرب لمن حاربهم، ولي لمن والاهم، لا يحبهم إلا سعيد الجد، طيب المولد، ولا يبغضهم إلا شقي الجد، ردىء الولاده.» محب الـدى طبرى در رياض النضره و نير غير او ذکر کرده که ابو بکر بن قحافه گفته است: «رسول خدا (ص) خيمه‌ای برپا کرده بود و در میان خيمه حضرت على، فاطمه، حسن و حسين (ع) در خيمه بودند، رسول خدا (ص) در حالی که بر کمان عربی تکیه داده بود، فرمود: ای طایفه مسلمانان! هر کسی که با اهل این خيمه در مسالمت و آشتی باشد، با او در مسالمت و آشتی هستم، و هر کسی که با آنان در حرب و جنگ باشد، با آنان در حرب و جنگم، محبت و دوستی من با کسانی است که با آنان در محبت و دوستی باشند. و هیچ کسی آنان را دوست نمی‌دارد، مگر افراد سعادت‌مند و خوش‌بخت، و آنانی که پدردارند و پاک و طاهر تولد یافته‌اند. و هیچ فردی با آنان دشمنی ندارد، مگر آنان که شقی و سنگدل هستند و ولادتشان پست و ناپاک هستند.» خوارزمی در مناقب و قاضی نعمان مغربی در شرح الاخبار نیز ذکر کرده است. و این حدیث معیار حق و باطل را به صراحت بیان می‌کند، و بسیار گویا و روشن می‌گوید: محبتان و دوستان علی، فاطمه، حسن و حسین، سعادت‌مندان و پاکیزه به دنیا آمدگان هستند و مبغضان و دشمنان علی، فاطمه، حسن و حسین، اشقیا و افراد بی‌مقداری هستند و ولادتشان ناپاک و پست است.

بنی امیه شجره ملعونه و مبغوض رسول الله

عن راشد بن سعد، عن أبي ذر، قال: سمعت رسول الله (ص) يقول: «إذا بلغت بنو أمية أربعين اتخذوا عباد الله خولاً، ومال الله نحلاً، و كتاب الله دغلاً.» از راشد فرزند سعد روایت شده که ابو ذر گفت: از رسول خدا (ص) شنیدم که می‌فرمود: «وقتی تعداد بنی امیه به چهل نفر برسند بندگان خدا را، بنده و برده خویش قرار می‌دهند و مال خدا را بخشش و عطیه خویش می‌پندارند، و کتاب خدا را بازیچه قرار می‌دهند.» این حدیث را حاکم نیشابوری در المستدرک علی الصحیحین و متقی هندی در کنز العمال ذکر کرده‌اند. عن أبي برزة الاسلمی، قال: «كان أبغض الأحياء الى رسول الله (ص) بنو أمية و بنو حنیفه و ثقیف.» ابو برزه اسلمی گفته است: «مبغوض‌ترین جانداران، در نزد رسول خدا (ص)، بنی ثقیف، بنی حنیف، و ثقیف بودند.»

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جاهدوا بأموالكم و أنفسكم في سبيل الله ذلكم خير لكم إن كنتم تعلمون (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتبع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

